

ارزشیابی ابزار بهبود یادگیری

تجربه یک معلم در افزایش اعتماد به نفس و میزان موفقیت دانش آموزان از طریق تغییر شیوه سنجش آنان

مرضیه سمائی صحنه سرائی
دبیر دبیرستان های کرج

انعطاف پذیری و سازگاری با محیط را در طول سال تحصیلی و در کنار آموزش نهادینه مطالب درسی بیاموزد. همچنین، با تغییر در نحوه ارزشیابی در کلاس، خاصیت مقطعی بودن امتحانات کاهش و با ثبت موفقیت های دانش آموزان، انگیزه پیشرفت و اعتماد به نفس در آنان فزونی می یابد. روشی که در طول سال های تدریس مانند بسیاری از همکاران، برای ارزشیابی کتبی دانش آموزانم به کار می گرفتیم، به این صورت بود که سؤالات امتحانی را از قبل آماده می کردم و در روز آزمون در اختیار دانش آموزان قرار می دادم. آنان باید در مدت تعیین شده به سؤالات پاسخ می دادند. مشکلات همیشگی هر آزمون عبارت بود از: اصرار دانش آموزان مبنی بر اینکه آزمون به هفته دیگر موکول شود، رغبت نداشتن تعداد قابل توجهی از آنها برای برگزاری آزمون کتبی

ارزشیابی به شیوه معمول در مدارس کشور، در واقع دانش آموزان را به سختی می اندازد و باعث بروز پیامدهایی نظیر اضطراب، رقابت ناسالم، رعب و ترس، مرسوم شدن تقلب، خلاقیت زدایی و موارد بسیاری از بازخوردهای منفی نسبت به علم آموز می شود. لذا، ادامه دادن این روش، ما را در رسیدن به اهداف والای آموزشی و پرورشی و همگام ساختن روش های ارزشیابی آموزشی با تحولات سریع علمی، فنی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی موفق نخواهد کرد. با این زمینه ذهنی، من در سال تحصیلی گذشته کوشیدم با روش علمی «پژوهش در عمل» شرایط موجود در کلاس را به وضعیتی مطلوب تر تبدیل کنم. زیرا اگر ارزشیابی در کلاس درست اجرا شود، دانش آموز می تواند با دقت، علاقه، احساس مسئولیت، انتقاد پذیری، اعتماد به نفس،

جمع‌آوری کرده بودم، بین آن‌ها توزیع کردم و از آنان خواستم در طول ۱۵ دقیقه، با توجه به مطالب کتاب به سؤالاتی که در پاسخ به آن‌ها دچار شک و تردید بودند یا پاسخ آن را نمی‌دانستند، پاسخ دهند؛ با این شرط که مطالب رونویسی از کتاب نباشد. تعجب دانش‌آموزان از این کار، وصف‌شدنی نبود، ضمن اینکه آنان با ولع و تمایل فراوان مطالب کتاب را جست‌وجو می‌کردند.

در مطالعه و بررسی برگه‌های آزمون متوجه تغییراتی شدم. تلاش دانش‌آموزان برای بیان مفهوم مطالب خوانده شده برایم تازگی داشت. در حین تصحیح، به یاد آمد که یکی از انتقادات اصلی دانش‌آموزان در مورد شیوه رایج آزمون کتبی در پرسش‌نامه، ترس از آزمون به‌خاطر گرفتن نمره کم بود و نمرات خوب آن‌ها در آزمون امروز نشان داد که توانسته‌ام این مشکل را هم تا حد امکان تعدیل کنم. دیدن چهره شاد دانش‌آموزان متوسط و حتی ضعیف در زمان توزیع برگه‌های تصحیح شده، برایم لذت‌بخش بود. با توجه به اینکه هدف از برگزاری آزمون، دستیابی به هدف‌های تدریس، بر مبنای آموزش‌های ترمیمی و جبرانی است، بنابراین کوشیدم گام به گام، با کمک گرفتن از این ابزارها، به رفع نواقص احتمالی در جریان تدریس از طریق آموزش ترمیمی، و اصلاح سوءفهم‌های یادگیری از طریق آموزش‌های جبرانی بپردازم.

اولین هدف از برگزاری آزمون مستمر تقویت و توجه به دانسته‌های دانش‌آموز است، در حالی که در روش قدیمی، معمولاً برعکس این موضوع اتفاق می‌افتد. غالباً فقط تعداد کمی از دانش‌آموزان، در نهایت دو یا سه نفر، از برگزاری آزمون‌ها لذت می‌برند که آن هم در بسیاری از موارد با اضطراب و نگرانی همراه است. در مرحله بعد، قبل از شروع آزمون، از آن‌ها خواستم به‌صورت گروهی و پشت سر هم بنشینند. بعد از پایان وقت هم از گروه‌ها خواستم ضمن نشستن در کنار یکدیگر، با نظارت سرگروه‌ها، یک بار دیگر به پاسخ سؤالات فکر کنند و با مشورت یکدیگر پاسخ‌ها را بازنویسی کنند. باز هم جنب‌وجوش و سبقت گرفتن از هم برای بیان و نوشتن مطالب با توجه به زمان محدود، محیط آزمون را با نشاط کرده بود. البته فضایی ایجاد شد که برای برگزاری آزمون کتبی بسیار غیرعادی بود.

و مهم‌تر از همه تلاش قابل توجه آن‌ها برای تقلب‌کردن و اصرار و مراقبت من برای میج‌گیری از آن‌ها. از آنجا که همیشه سعی کرده‌ام از تمام فرصت‌ها و تهدیدهای به‌وجود آمده در کلاس، به‌نفع آموزش و تربیت دانش‌آموزان استفاده کنم، بر آن شدم راهکاری به کار بندم تا شرایط را به‌نفع آموزش و پرورش آن‌ها هدایت کنم (یعنی تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها).

ضمن مطالعه و مشورت با همکاران نتایجی به‌دست آوردم و پس از تجزیه و تحلیل آن‌ها راه‌حل‌هایی به‌نظرم رسیدند که تصمیم گرفتم به کمک دانش‌آموزانم آن‌ها را در کلاس اجرا کنم. راه‌حل‌ها بدین قرار بودند: در یکی از روزهای امتحان کتبی از دانش‌آموزان خواستم به شیوه جدیدی به سؤالات پاسخ گویند. سؤالات به‌صورت مفهومی طرح شده بود و دانش‌آموزان برای دادن پاسخ به آن‌ها ملزم به خواندن دقیق مطالب کتاب بودند. زمان مورد نظر برای پاسخگویی به شش سؤال، ۲۰ دقیقه بود. بعد از پایان وقت مقرر، ضمن یادآوری اینکه هنوز زمان آزمون به پایان نرسیده است، کتاب‌هایی را که قبل از آزمون





**اولین هدف
از برگزاری
آزمون مستمر
تقویت و توجه
به دانسته‌های
دانش آموز است،
در حالی که در
روش قدیمی،
معمولاً برعکس
این موضوع
اتفاق می‌افتد**

اعتماد به نفس خیلی خوبی پیدا کرده‌اند، همچنین به دلیل مفهومی بودن سؤالات، دانش‌آموزان که مجبور بودند پاسخ‌ها را تجزیه و تحلیل کنند، به سطوح بالاتری از یادگیری رسیده بودند و خود را در تولید دانش سهیم می‌دانستند.

لازم به ذکر است که در حین انجام این طرح، رفتارهای دانش‌آموزانم را مشاهده می‌کردم؛ یعنی به آنچه برای یکدیگر شرح می‌دادند گوش می‌کردم (سنجش محصولات). در مورد آنچه پاسخ می‌دادند، اطلاعات مربوط به دانسته‌های قبلی را از آن‌ها طلب می‌کردم و دانش‌آموزان با توجه به محفوظات و دانسته‌های قبلی خود پاسخ می‌دادند (سؤال‌های معطوف به گذشته). تمام این رویدادها را به صورت نکته به نکته ثبت کردم. پیشرفت‌ها را با هدف اصلاح و بهبود فرایند یادگیری از طریق عمل، نگهداری کردم. نمرات دانش‌آموزان را از شروع طرح تا مرحله پایانی آن با یکدیگر مقایسه کردم (روش در سوزهای). همچنین، بعد از اجرای طرح در سایر کلاس‌ها و مقایسه نمرات گروه‌های مختلف در یک زمان (روش بین سوزهای)، نتایج مصاحبه، مطالعه و مشاهده بررسی‌های به عمل آمده، از رشد بی‌سابقه‌ای در سطح یادگیری آنان حکایت داشت.

در پایان خرداد نیز معدل دانش‌آموزان کلاس سوم انسانی در امتحانات نهایی نسبت به سال قبل و همچنین، درصد قبولی دانش‌آموزان نسبت به سال گذشته، رشد چشمگیری داشت. تمام یادداشت‌ها و شواهد مربوط به این تجربه را، هم در جلسه شورای دبیران و هم در جلسه هماهنگی با همکاران گروه درسی خود ارائه کردم و از همکارانم خواستم از این روش استفاده کنند.

من و دانش‌آموزانم با وجود تمام مخالفت‌ها، بدبینی‌ها، بدگویی‌ها و البته حمایت‌های مسئولان مدرسه، موفق به ایجاد تغییر و تحولی خوشایند و دلچسب در کلاس شده بودیم. این روش، آموزش برای زیستن، در جمع زیستن و بهتر زیستن را دربردارد. دانش‌آموز خود در تولید دانش سهیم می‌شود. این نوع ارزشیابی رشددهنده، سازنده و متحول‌کننده است و با توجه به شیوه اجرا، به جای شکست، رغبت یادگیری را در دانش‌آموز می‌افزاید، چرا که استقلال وی را به رسمیت می‌شناسد و به او حق انتخاب و بازخورد سازنده می‌دهد.

در حین اجرای آزمون، به مواردی (مثل وقت‌گیر بودن، پرسروصدا شدن کلاس و اعتراض چند نفر از دانش‌آموزان) برمی‌خوردم که آن‌ها را به‌عنوان نقاط قوت و ضعف کارم یادداشت می‌کردم.

بعد از جمع‌آوری برگه‌ها، هر بار از دانش‌آموزانم می‌خواستم درباره شیوه نوین آزمون، نظرات خود را به صورت کوتاه بنویسند و تحویل بدهند. آن‌ها از اینکه در روند آموزش کلاس جدی گرفته می‌شوند، بسیار خوشحال بودند و نسبت به گذشته، نظرات خود را با دقت و اعتماد به نفس بیشتری ابراز می‌داشتند. هنگام تصحیح اوراق و خواندن نظرات دانش‌آموزان، مراحل بعدی را سازمان‌دهی کردم تا در هنگام اجراهای بعدی، نواقص قبلی تکرار نشود. با توجه به اینکه ارزشیابی، روند شکل‌گیری و پیشرفت مهارت‌ها و نگرش‌هاست، با گروهی کردن آزمون در مرحله دوم، نکات قابل ملاحظه‌ای مشاهده شد، نظیر: ارزشیابی در مرحله دوم نوعی ارزشیابی حرکت‌زا (ارزشیابی در عمل) بود. نقاط قوت دانش‌آموزان را تقویت می‌کرد. به پرورش روح همکاری در دانش‌آموزان کمک می‌کرد و در آن‌ها برای انجام یک کار گروهی رغبت ایجاد می‌کرد.

در مجموع، همه از برگزاری آزمون مرحله دوم راضی‌تر از گذشته بودیم. در مرحله سوم، بعد از پایان آزمون، برگه‌های دانش‌آموزان هر گروه را در اختیار گروه دیگر قرار دادم. توضیح اینکه هشت سؤال مفهومی طرح شده بود. سرگروه هر گروه سؤالات را برای گروه می‌خواند و اعضای گروه با مشورت یکدیگر برگه‌ها را تصحیح می‌کردند و در اختیار یکدیگر قرار می‌دادند. در طول انجام تغییرات در این مرحله کوشیدم با رهبری، هدایت و نظارت بر کار گروه‌ها، دخالت مستقیم کمتری در اجرای طرح داشته باشم و بیشتر از گذشته از همکاری دانش‌آموزانم بهره ببرم. ضمن اینکه با قرار گرفتن در کنار گروه‌ها، با طرح سؤالاتی، به‌طور غیرمستقیم دانسته‌های قبلی را از آن‌ها طلب می‌کردم تا ضمن یادآوری مطالب گذشته، آماده پذیرش درس جدید باشند. تصحیح برگه‌ها توسط دانش‌آموزان، برای بسیاری از آن‌ها، به‌خصوص دانش‌آموزانی که در آزمون‌های کلاسی به شیوه رایج نمرات کمتری می‌گرفتند، تازگی داشت. هنگام تصحیح اوراق، رفتار آن‌ها را زیر نظر گرفتم. از مشاهده رفتارها این نتایج به‌دست آمد که حس